

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۱

چرا عرب زده شدیم؟؟

اسلام و جزیه

۱

مردم عادی دین را درست، عاقلان آن را نادرست و حاکمان آن را مفید در نظر می گیرند

ادوار دگیبون

بخش اول:

در عصر کنونی و شرایط مسلط بر جامعه ما که تروریسم و جنایات اسلامی حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مردم ما را تهدید و هر روز بیشتر از زمان قبل قربانی انسانی می گیرد و این که اعراب بادیه نشین و غیر متمدن چطور توانستند باور های خرافی خود را در قانونمندی وحشت و جنایت چوکات بندی نموده و به هدایت الله در جهان مخصوصاً سر زمین ما تطبیق بدارند، باید خردمندانه مطالعه و بررسی گردد و با در نظر داشت تمام شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره های مشخص، علل نفوذ تازیان به کشور ما به تحلیل گرفته شود، که در این راه روشنگران و روشنفکرانی که در راه مردم و سعادت ملت ها و رفتن به سوی یک جامعه انسانی را وظیفه ای میرم و اساسی خود می دانند، مکلفیت دارند تا در روشن شدن حقایق تاریخی بدون اهمه و یا جانبداری با قاطعیت تمام برخورد نموده روشنگر اذهان هموطنان مخصوصاً نسل جوان باشند و این رسالتی است که بر دوش شان گذاشته شده است.

سهل انگاری درین راستا و خود را دور نگهداشتن از واقعیت های تلخی که عربها بر ما تحمیل نموده اند و آن را نادیده گرفتن شخصیت های علمی و روشنگرانه شان را در انظار نسل امروزی و نسل های بعدی زیر سؤال خواهد برد؟؟ چون مصلحت اندیشی ها و بی تفاوت بودن در قبال نفوذ و عملکرد های تازیان و نمایندگان شان بر کشور ما سبب شده و خواهد شد تا آنان به انواع مختلف و نام های گوناگون در هر نوع عملکرد قهری و جنائی خود جری

تر شده و خون آشامی شان ادامه پیدا نماید.

دین اسلام از بدو پیدایش در تقابل و ضدیت با منافع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم عوام قرار گرفته و با زور شمشیر جنایتکارانه اوباش های عرب در محور فرهنگ اصیل سر زمین های آسیائی مخصوصاً کشور ما با همکاری تعدادی از خود فروشان با گر فتن امتیازهای اجتماعی و اقتصادی کوشیده تا رسم و رواج های بدویان عرب را در قالب بندی چوکات مقدس یعنی اسلام بسط و توسعه دهند. نا گفته نباید گذاشت که از پنج دین بزرگ - زرتشتی- بودائی- یهود - عیسویت و اسلام تنها یهود و اسلام است که برای تطبیق دین شان از شمشیر استفاده نموده و به کشتار و ویرانی پرداخته اند. به همین ملحوظ از خشونت، قتل و قتل در قرآن بسیار ذکر شده است و این کشتار ها در قرون اول و دوم هجری به شدت ادامه یافت و در اسلام کشتن، چپاول، ویرانی و ده ها جنایت دیگر " جهاد" نامیده شده است.

مبارزه و مقاومت در مقابل این چپاولگری ها در کشور ما تا زمان عبدالرحمن جانی ادامه داشت که این سفاک تاریخ آخرین بقایای مبارزان دلیر نورستان را سر کوب و از کشته ها پشته ها ساخت. بنیان گذاران اسلام بسیار سعی نمودند که ملت ها را عرب زده سازند و از اندیشمندان و متفکرین بومی دور نگهدارند به همین خاطر بود که دانشمندان را به بهانه های مختلف نابود می نموده سر می بریدند تا مردم به امامان و پیشوایان عرب روی بیاورند و مسلمان شوند و الحق که درین کار خود موفق هم شدند. تجاوز اعراب بر سر زمین ما و کشتار بیرحمانه مردم دوامی نمی داشت اگر تعدادی از خود فروخته ها و آنانی که مصلحت اندیش بوده و با گر فتن امتیازاتی به نام سید، خواجه، ولی و قطب و غیره با اوشان در چپاول مال و دارائی های مردم سهیم نمی شدند. چون اعراب در حملات و تجاوز شان منظور تطبیق اسلام را نداشتند آنان بیشتر به ثروت های مردم بومی مناطق آشغال شده می اندیشیدند تا تطبیق اسلام و اسلام فقط بهانه ای بود برای این تجاوزات. و این عرب زدگان داخلی بودند که آنهمه توحش اعراب را مقدس جلوه داده و مردم را سر کوب می نمودند

در کتاب تاریخ تمدن اسلام نوشته جرجی زیدان می خوانیم:

(در زمان عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی که نسبت به دیگر خلفای اسلامی عرب عادل تر بود کسی از ظلم جراح بن عبدالله والی خراسان شکایت نمود که مردم خراسان با وجود آن که اسلام را می پذیرند با آنها باید جزیه پردازند. عمر نامه ای به جراح نوشته می گوید :

" هر کس که با تو نماز می خواند از پر داخت جزیه معاف است" این فرمان عادلانه سبب شد که گروه انبوهی اسلام آورند و حاشیه نشینان به والی یاد آور شدند که اسلام اینان برای نپرداختن جزیه است چه بهتر که آنها را با ختنه آزمایش کنی. جراح این را برای خلیفه فرستاده و اضافه کرد که با اسلام اینان مقدار جزیه رو به کمی نهاده و بیم آن می رود که باز هم جمعی مسلمان شوند و جزیه ازین هم کمتر شود پس چه بهتر که موضوع ختنه را عملی سازیم) « جرجی زیدان. تاریخ تمدن اسلام ص ۲۳۵ »

و این خود نشان دهنده ادعای قبلی است که انگیزه حملات اسلام چپاول و غارت گری اموال مردم و گرفتن جزیه است تا اسلام را تطبیق نمودن. جرجی زیدان هم چنان می نویسد:

"عبدالملک بن مروان به حجاج بن یوسف ثقفی حاکم خراسان دستور داد که جزیه را تماماً از مردم اخذ ندارد مبلغی را برای زمین داران نیز بگذارد که صرف نمایند. پس از چندی حجاج به عبدالملک نامه نوشت که اجازه بدهد که : مختصر مساعده باقیمانده را از زمین داران بستاند ولی این پیشنهاد به قدری ظالمانه بود که عبدالملک آنرا رد کرده نوشت :

" با آنچه گرفته ای قانع باش و به باقی‌مانده چشم مدوز برای این بینوایان گوشت و استخوانی باقی بگذار تا اطراف آن چربی جمع شود. " «تاریخ تمدن اسلام ص ۲۳۰»

مردم سمرقند برای گریز از پرداخت جزیه اسلام آوردند و چون دیدند اسلام شان سودی ندارد و جزیه آنان پس گرفته نمی‌شود دو باره به دین پیشین خود برگشتند. علی دشتی در کتاب ۲۳ سال چنین می‌نویسد:

(ایرانیان مطابق شیوه ملی خود در مقام نزدیک شدن به قوم فاتح بر آمدند و از در اطاعت و خدمت وارد شدند. هوش و فکر و معلومات خود را در اختیار ارباب جدید خود گذاشتند. زبان آن‌ها را آموختند و آداب آن‌ها را فرا گرفتند. لغات قوم فاتح را تدوین و صرف و نحو آنرا درست کردند و برای آن که فاتحان آن‌ها را به بازی بگیرند از هیچ‌گونه اظهار انقیاد و فروتنی خود داری نکردند. در مسلمانی از خود عربها پیشی گرفتند و حتی در مقام تحقیر دین و عادات گذشته خود بر آمدند و به همان نسبت در بالا بردن شأن عرب و بزرگان عرب تلاش کردند و اصل شرف و جوانمردی و مایه سیادت و بزرگواری را همه در عرب یافتند. هر شعر بدوی و هر مثل جاهلانه و هر جمله بی سر و ته اعراب جاهلیت نمونه حکمت و چکیده معرفت و اصل زندگانی شناخته شد به این که مولای فلان قبیله و کاسه لیس سفره فلان امیر باشند اکتفاء کردند. افتخار کردند که عرب دختر شان را بگیرد و مباحات می‌کردند که نام عربی بر خود بگذارند. فکر و معرفت آنان در فقه و حدیث و کلام و ادب عرب به کار افتاد و هفتاد در صد معارف اسلامی را به بار آورد) «علی دشتی - ۲۳ سال رسالت ص ۴۰۲ و ۴۰۳» و در همان آوان مردم خراسان خلاف پارسیان فداکارانه علیه تجاوز اعراب مبارزه نموده و از سرزمین و باور های خود و ناموس شان دفاع می نمودند. اعراب با چپاول، دزدی، آدمکشی و غارت مال و منال مردم، کنیز گیری و غیره جنایات عرصه زندگی را بر مردم تنگ و تنگتر ساختند و همین اعمال تازیان بود که باعث مقاومت‌های دلیرانه مردم ما شده بود. ابو ریحان بیرونی در آثار الباقیه می‌گوید:

" قتیبه بن مسلم هر کسی را که خط خوارزمی دانست از دم شمشیر گذرانید و آنانکه از اخبار خوارزمیان آگاه بودند و این اخبار را میان خود تدریس می کردند ایشان را نیز به دسته پیشین ملحق ساخت بدین سبب اخبار خوارزم طوری پوشیده ماند که پس از اسلام نمی‌شد که آن‌ها را دانست" «ابوریحان بیرونی. آثار الباقیه ص ۵۷»

بد بختانه در کشور ما هم این نوع بیگانه پرستی و خدمت گذاری ها به اعراب و نزدیک شدن به سرداران خونخوار آنان مثل پارسیان به مرور زمان رواج یافت و آن خود فروخته ها هوش و فکر و معلومات اعراب را اختیار و مباحات می کردند که بر خود نام هائی که ممثل غلامی و بندگی به اعراب باشد، بگذارند مثل غلام عباس، غلام علی، غلام عمر، خادم علی، خادم حسین و...

این همه تملق فقط به خاطر کسب امتیاز نزد اعراب بوده و بس. و این خود فروختگی ها و خود را غلام و نوکر اعراب نشان دادن از همان قدیم‌ها تا اکنون دوام داشته و امروز که بشر به سیارات دیگر می‌روند نوکران اعراب از فقه و تفسیر - جن و پری، شیطان و ملایکه - صحبت داشته و به ما اجبارا تحمیل و هم تدریس می نمایند و موضع گیری غلامان عرب همیشه در تأمین منافع اعراب و ضد آزادی های انسانی و حقوق بشری مردم ما بوده است.

با تسلط و حکمرانی فرهنگ عرب، آزادی‌های ما سلب شد، زنان پاک ماز هر نوع آزادی انسانی و حقوق اجتماعی محروم و تبدیل به کنیز ها و وسیله خوشگذرانی و عیاشی مردها قرار گرفت و این فرهنگ عربی که به اثر زحمات و تلاش های غلامان و تیر اوران عربها بر جامعه ما مستولی گردیده است. کشنده ذهنیت های با استعداد مردم ما گردیده و آنها را در چنگال چنان توهمات، ابهامات و خرافات نگهداشته اند که آن‌ها با کمال احترام

و عزت به گور قاتلان آباء و اجداد شان که محوکننده فرهنگ اصیل و مردمی شان بوده‌اند، مثل قبر شاه دو شمشیره که با دو شمشیر گردن می زد و یا قبر ابو اسحاق (شاه شهید) با وجودی که گردن زخمی داشت اما مردم کابل را می کشت رفته و با عذر و نوحه از مرده های آنها کمک طلب می نمایند؟؟ این شاهکار اعراب و دست بوسان شان است که مردم را در گمراهی چنان نگهدارند که فرق بین مردم صالح، مبارز و شریف خود و قاتلان وحشی عرب را ننمایند.

ختم بخش اول